

نماز در حکمت‌های لقمان در قرآن

محمد محمدی اشتهاردی

اشاره:

پیرامون نماز، مسایل گوناگونی مطرح می‌شود و قابل بحث است، ولی نکته مهمی که لقمان به آن توجه نموده مساله اقامه نماز است، اقامه در اصل از واژه قیام گرفته شده، و بیان گر این مطلب است که نماز را نباید طوطی وار انجام داد و به صورت یک عبادت خشک و یک عادت فردی و عادی پنداشت بلکه باید مفاهیم آن را در روح و روان و در متن زندگی فردی و اجتماعی استوار ساخت. نوشتار حاضر به بحث و بررسی پیرامون نماز در حکمت‌های لقمان در قرآن می‌پردازد که هم اکنون از نظر خوانندگان و همراهان گرامی می‌گذرد.

برپا داشتن نماز

لقمان سومین نصیحت خود به پسرش را این گونه بیان می‌کند: یا بنی اقم الصلاة، ای پسر جان! نماز را برپا دار. دو نصیحت قبل پیرامون خداشناسی و مبدا و معاد و حساب رسی بود، لقمان پس از بیان پایه‌های دین، یعنی مساله خداشناسی و معاد و توجه به حساب و کتاب قیامت، به ذکر مهم‌ترین برنامه عملی که نگهدارنده فکری و عملی می‌داند و معاد و حساب رسی است یعنی مساله نماز پرداخته، آن هم نه انجام نماز، بلکه اقامه و برپا داشتن نماز می‌پردازد. چرا که نماز در وقت‌های مختلف شبانه روزی مهم‌ترین وسیله پیوند انسان با خالق است، و در پرتو خداشناسی، انسان را به یاد معاد و روز جزا ملک یوم الدین می‌اندازد و تلقین و تمرین همیشگی صراط مستقیم و توجه و حساب‌گری در این رابطه می‌باشد. پیرامون نماز، مسایل

نماز



گوناگونی مطرح می‌شود و قابل بحث است، ولی نکته مهمی که لقمان به آن توجه نموده مسأله اقامه نماز است، اقامه در اصل از واژه قیام گرفته شده، و بیان گر این مطلب است که نماز را نباید طوطی وار انجام داد و به صورت یک عبادت خشک و یک عادت فردی و عادی پنداشت، بلکه باید مفاهیم آن را در روح و روان و در متن زندگی فردی و اجتماعی استوار ساخت، و پرچم نماز را همواره به اهتزاز درآورد. بنابراین شایسته است نظر شما را به سه مطلب پیرامون نماز جلب کنیم:

اهمیت نماز

نماز به قدری اهمیت دارد که برای نشان دادن اهمیت آن، در اسلام با تعبیرات مختلف و معنی دار از آن یاد شده است. گاهی به عنوان عمود و عماد دین معرفی شده، چنان که امام باقر (ع) فرمود: الصلاة عمود الدین؛ نماز ستون دین است.^۱ و پیامبر (ص) فرمود: الصلاة عماد الدین؛ نماز تکیه گاه دین است.^۲ لقمان در یکی از اندرزهای خود به پسرش، این مطلب را چنین تبیین می‌کند: یا بنی اقم الصلاة فانما مثلها فی دین الله کمثل عمود قسطاط؛ ای پسر من نماز را برپا دار، چرا که مثل نماز نسبت به دین خدا مانند ستون خیمه است، اگر ستون خیمه، استوار و پابرجا باشد، طناب‌ها و میخ‌ها و سایه‌اش، استوار می‌ماند، ولی اگر ستون شکسته شد یا افتاد، میخ‌ها و طناب‌ها و سایه خیمه، فایده‌ای نخواهد داشت.^۳ و گاهی نماز به عنوان برترین عمل معرفی شده است، چنان که امام صادق (ع) فرمود: ما اعلم شیئا بعد المعرفة افضل من هذه الصلوة؛ بعد از خداشناسی، هیچ چیزی را برتر از این نماز نمی‌دانم.^۴ و زمانی از نماز به عنوان بهترین موضوع (برترین برنامه‌ای که از طرف خدا وضع، و قرار داده شده) یاد شده، چنان که در روایت آمده، ابوثر به پیامبر (ص) عرض کرد: نماز چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: خیر موضوع؛ نماز بهترین موضوع است.^۵ و گاهی از نماز به عنوان سر و صورت اسلام یاد شده، چنان که پیامبر (ص) فرمود: لیکن اکثر همک الصلاة فانها راس الاسلام؛ باید بیشترین همت و اهتمام تو به نماز باشد، چرا که نماز سرچشمه اسلام است.^۶ و امام صادق (ع) فرمود: برای هر چیزی صورتی هست و صورت دین اسلام، نماز است.^۷ تعبیرات دیگری نیز در روایات اسلامی از زبان معصومین (ع) شده مانند این که: نماز معراج مؤمن است، نماز تقرب بخش مؤمن به خدا است، نماز مایه حشودوی خدا است، نماز خیر العمل است، نماز محبوب دل پیامبر (ص) و نور چشم او است، نماز نهر شستشوگر آلودگی‌ها است، نماز کماره گناهان است. قبولی اعمال بستگی به قبولی نماز دارد، نماز نخستین موضوعی است که از آن در قیامت سؤال می‌شود... از اهمیت نماز این که کهن‌ترین برنامه عبادی است که از آغاز خلقت بشر وجود داشته است، و تاکنون وجود دارد. منظور این است که اصل نماز وجود داشته، گرچه چگونگی آن در عصرهای مختلف تفاوت داشته است. ابراهیم خلیل قهرمان توحید، پس از آن که اسماعیل و مادر او را در مکه (که آن وقت بیابان بی‌آب و علف بود) گذاشت، در مقام دعا گفت: پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علف در کنار خانه‌ای که حرم تو است ساکن ساختم؛ لایقمو الصلاة؛ تا نماز را برپا دارند.^۸ و در مورد دیگر پس از سپاسگزاری از درگاه الهی که در سن پیری، اسحاق و اسماعیل را به او عنایت فرموده، چنین دعا می‌کند: رب اجعلنی مقیم الصلاة ومن ذریتی؛

پروردگارا! مرا برپا کننده نماز قرار ده و از فرزندانم نیز چنین فرما. چنان که ملاحظه می‌کنید، ابراهیم (ع) در میان خواسته‌های بسیار، نخستین خواسته‌اش برپاداری نماز است. نیز خداوند در مقام تمجید اسماعیل (ع) می‌فرماید: وکان یامر اهله بالصلاة؛ اسماعیل همواره خانواده‌اش را به نماز فرمان می‌داد.^۹ حضرت عیسی (ع) وقتی که در گهواره لب به سخن گشود، پس از بیان عبودیت و نبوت خود، سخن از نماز به میان آورده و می‌گوید: واولیانی بالصلاة؛ خداوند مرا به نماز توصیه فرمود.^{۱۰} کوتاه سخن آن که نماز با اهمیت‌ترین دستوری است که خداوند به بشر داده است، و بالاترین اطاعت الهی است تا آنجا که امام صادق (ع) فرمود: ان طاعة الله خدمته فی الارض، فلیس شیء من خدمته یعدل الصلاة؛ اطاعت خدا یعنی خدمت الهی در زمین، و پاداش و عظمت هیچ خدمتی نسبت به خدا، با نماز برابری نمی‌کند.^{۱۱} جالب این که در سیره درخشان پیامبر (ص) آمده: در سال نهم هجرت، طایفه طی به نمایندگی از قبیله طائف در مدینه به حضور رسول خدا (ص) رسیدند، پس از مذاکره حاضر شدند تسلیم گردند مشروط بر این که آن حضرت آنها را از نماز معاف دارد، پیامبر (ص) با کمال قاطعیت این پیش‌نهاد را رد کرد و فرمود: لا خیر فی دین لا صلوة معه؛ دینی که در آن نماز نباشد، خیر و برکت ندارد.^{۱۲} این نیز در جای خود با توجه به موقعیت حساس، بیانگر اهمیت نماز از دیدگاه اسلام و پیامبر اسلام (ص) است.

توجه به فلسفه و آثار نماز

قبلاً ذکر شد که آنچه مهم است اقامه و برپاداری نماز است، این تعبیر بیانگر آن است که در نماز باید قیام و انگیزش و جهش فردی و اجتماعی باشد، خداوند چنین نمازی را نماز مقبول و حقیقی می‌داند، و اگر نماز آن همه اهمیت دارد، در صورتی است که واقعا ستون و نگهبان دین شود، معراج مؤمن در ملکوت اعلی گردد، و تکیه محکم برای رفع و دفع نگرانی‌ها شود، چنین نمازی دارای شرایط صحت و کمال است، بنابراین نماز کامل را باید از آثار آن جستجو کرد، آداب و اسرار آن را دانست، و از مکتب عالی نماز آموخت و در زندگی شکوفا کرد، هدف اسکلت نماز نیست بلکه روح و باطن نماز است، اکتفا به قیام و قعود ظاهری، پوست نماز است، ولی مغز نماز قیام و خیزش باطنی نماز است، ما وقتی که در رابطه با نماز به قرآن و روایات نگاه می‌کنیم می‌بینیم به فلسفه و رازهای نماز تصریح و اشاره کرده‌اند، می‌فهمیم که نماز کامل به خاطر آن فلسفه و رازها است. مثلاً در قرآن می‌خوانیم: واقم الصلاة ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر؛ نماز را برپا دار که نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد، و ذکر و یاد خدا از آن هم بالاتر و برتر است.^{۱۳} و در آیه دیگر می‌خوانیم: واقم الصلاة لذکرى؛ نماز را برای یاد من به پا دار.^{۱۴} بنابراین راز بزرگ نماز نهادینه کردن یاد خدا در روح و روان است، که همین یاد خدا موجب پیوند و رابطه با خدا، و سرچشمه پاک‌سازی و اکتساب ارزش‌ها و کمالات است. چنین نماز انسان را از زشتی‌ها و گناهان باز می‌دارد، و از آن بالاتر یاد خدا را که موجب کسب ارزش‌ها است در وجود انسان شکوفا و آشکار می‌سازد. یاد خدا موجب آرامش و رفع دغدغه‌ها و تنش‌ها است، یاد خدا در حقیقت یاد پاداش‌ها و کیفرها، و یاد خودسازی و بازسازی و به‌سازی است. براساس قرآن، انسان غافل، در خسران

● راز بزرگ نماز
 نهادینه کردن
 یاد خدا در روح
 و روان است، که
 همین یاد خدا
 موجب پیوند و
 رابطه با خدا، و
 سرچشمه
 پاک‌سازی و
 اکتساب
 ارزش‌ها و
 کمالات است



● مداومت در ذکر خدا در پرتو نماز، موجب فراموش نکردن آفریدگار مدبر خواهد شد، و همین یاد خدا انسان را از سرکشی و غرور باز می‌دارد، و او را از گناهان و هرگونه فساد دور می‌سازد

است، و کیفر چنین کسی زندگی سخت و ناگوار در دنیا، و کوری در آخرت خواهد شد.^{۱۱}

نماز که موجب یاد خدا است این آثار شوم را از زندگی انسان می‌شوید، انسان را به جای خسران، خوشبخت، و به جای کوری، بینا می‌کند. یکی از غرائز منفی وجود انسان حریص بودن او است که منشا انواع گناهان و انحرافات و دوری از فیوضات معنوی و ملکوتی می‌گردد، نماز صحیح دارای خاصیتی است که هلویت و حرص انسان را نابود می‌کند، و این سنگ مایع سر راه تکامل را از مسیر حرکت او برمی‌دارد. چنان که قرآن می‌فرماید: انسان، هلو و حریص آفریده شده، هنگامی که پدی به او رسد، بی‌تابی می‌کند، و وقتی که خوبی به او برسد مانع دیگران می‌شود، مگر نماز گزاران، آنان که نمازها را مرتب انجام می‌دهند.^{۱۲} محمد بن سنان می‌گوید: مسائلی از حضرت امام رضا (ع) (از جمله درباره فلسفه نماز) پرسیدم، حضرت رضا (ع) در مورد فلسفه و آثار نماز چنین فرمود: علت تشریح نماز آن است که:

- به ربوبیت خدا اقرار کنی.
- شریک و هم‌تارا از ذات پاک خدا دور سازی.
- با کمال کوچکی و بیچارگی و نهایت تواضع در پیشگاه خدا بایستی.
- به گناهان خود اعتراف کرده و تقاضای بخشش نمایی.
- همه روز برای تعظیم پروردگار، پیشانی خود را به زمین بگذاری.
- همواره هشیار و در یاد خدا باشی به طوری که گرد و غبار فراموش کاری و غفلت و غرور و مستی از صفحه دلت زودوده شود.
- در نهایت خشوع خواهان افزایش مواهب دین و دنیا از درگاه الهی گردی.

- مداومت در ذکر خدا در پرتو نماز، موجب فراموش نکردن آفریدگار مدبر خواهد شد، و همین یاد خدا انسان را از سرکشی و غرور باز می‌دارد، و او را از گناهان و هرگونه فساد دور می‌سازد.^{۱۳}

یا توجه به این آثار درخشان است که رسول اکرم (ص) فرمود: **الصلوة حصن من سطوات الشیطان؛ نماز دژ محکمی در برابر یورش های شیطانی است.**^{۱۴}

در حالات عالم ربانی شیخ عبدالله شوشتری (متوفای ۱۰۲۶ ه. ق) از علمای برجسته عصر علامه مجلسی می‌نویسند: برای اقامه نماز جمعه وارد مسجد شد، بسیار پریشان بود، زیرا فرزندش دچار بیماری سختی بود، او به عنوان امام جمعه مشغول نماز جمعه شد، هنگامی که سوره منافقون را (در رکعت دوم بعد از حمد) خواند به این آیه (۹ منافقون) رسید: یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکر الله؛ ای افراد با ایمان! اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل نکنند. چندین بار همین آیه را تکرار کرد (با توجه به این که تکرار آیات قرآن در وقت وسیع در نماز جایز است) بعد از نماز بعضی از همراهان از علت این تکرار سؤال کردند، فرمود: فرزندم بر اثر بیماری سخت بستری است، من هنگامی که به این آیه رسیدم، به یاد فرزندم افتادم، و با تکرار آن به مبارزه با نفس خود برخاستم، آن چنان یاد خدا (که در این آیه آمده) یاد دیگران را از دلم زدودم که فرض کردم فرزندم مرده و جنازه‌اش در برابر من است، و من از خدا غافل نیستم، آن گاه بود که دیگر آیه را تکرار نکردم.^{۱۵}



تاملی پیش‌تر در اسرار و قبولی نماز

از مسائل مهمی که در همه عبادات به ویژه نماز، قطعاً باید مورد توجه قرار گیرد، مساله قبولی نماز است، قبولی نماز همان شرط کمال نماز است، و اندازه قبولی نماز بستگی به اندازه تأثیر نماز در پاک‌سازی و به سازی دارد، قرآن به طور کلی می‌فرماید: انما یتقبل الله من المتقین؛ قطعاً خداوند آن اعمالی را می‌پذیرد که از افراد پرهیزکار سرزند.^{۱۶} یعنی اعمال گناه‌آلود، پذیرفته نمی‌شود. امام صادق (ع) در یک سخن هشدار دهنده‌ای می‌فرماید: گاه پنجاه سال از زندگی انسانی می‌گذرد، ولی خداوند حتی یک نماز او را قبول نمی‌کند، چه چیزی سخت‌تر از این؟ سپس فرمود: لایقبل الا الحسن فکیف ما یستخف به؛ قبول نمی‌شود مگر عمل نیک و شایسته، پس چگونه قبول گردد عملی که با سبکی و حقارت انجام گردد؟^{۱۷} ممکن است در اینجا سؤال شود که از کجا بفهمیم نماز ما قبول شده یا نه؟ پاسخ به این سؤال این است که باید به تأثیر گذاری نماز در پاک‌سازی توجه کرد، به هر اندازه که تأثیر گذارده، قبول شده است. بر همین اساس امام صادق (ع) فرمود: کسی که دوست دارد بداند که نمازش در پیشگاه خداوند قبول شده یا نه، باید بنگرد که آیا نمازش، او را از زشتی‌ها و گناهان باز داشته است؟ به همان مقدار که باز داشته، نمازش قبول می‌شود.^{۱۸} نتیجه این که ما در همه اعمال و در نماز باید به قبولی و پذیرش آن فکر کنیم، و گرنه سعی ما باطل و بی‌محتوا خواهد شد. به عنوان مثال شخصی هندوانه بزرگ خریداری می‌کند، و پول گزافی برای آن می‌دهد، همه هدفش این است که قرمز و شیرین باشد، حال اگر آن را برید و کال درآمده، قبول نشده، و سعی و سرمایه‌اش تلف شده، و تازه باید زحمت بکشد تا آن هندوانه سنگین را ببرد و به زباله‌دانی بریزد.

نظر را نغز کن تا نغز بینی
گذر از پوست کن تا مغز بینی

نقش خشوع و حضور قلب در قبولی نماز

می‌پرسند: چه کنیم که نماز ما قبول درگاه الهی گردد؟ پاسخ آن که: باید شرایط صحت نماز از شرایط مقدماتی و مقارن نماز را رعایت کرد، و نیز از شرایط کمال نیز بهره جست، شرایط کمال عبارتند از:

- ولایت.
- خشوع و حضور قلب.
- تفکر و تعمق در محتوای نماز.
- نماز در مکان مقدس.
- مهر نماز (که اگر از تربیت امام حسین (ع) باشد، اثر بخش است).
- نماز در اول وقت.
- گریه از خوف خدا در نماز.
- رعایت آداب نماز.
- کسب شیرینی ذکر خدا.
- تصمیم‌گیری برای پرهیز از هرگونه گناه.
- نگهداری قلب از هرگونه شوایب ریا و ناخالصی.
- بریدنگی از تعلقات دنیا و پیوستگی به خدا.

در میان این شرایط، مساله خشوع و حضور قلب، نقش بیشتری دارد، گرچه شرایط دیگر تقویت‌کننده خشوع و حضور قلب هستند، مهم این است که چه کنیم تا حضور قلب و خشوع در نماز را رعایت

کنیم! محقق بزرگ فیض کاشانی در اینجا مثالی زده است، می گوید: اگر مردی یا بانویی غذای شیرین بخورد، و بقایای آن شیرینی در دهانش باشد، و هنوز دهان را نشسته، مشغول نماز شود، در این میان یک مگس سراغ دهان او می آید، او یا دست یا تا تکان دادن سر، مگس را رد می کند، در لفت عرب به مگس ذباب می گویند. این کلمه از دو واژه ذب و آب گرفته شده، یعنی او را رد کرد، ولی بازگشت، مگس چنین صفتی دارد که وقتی او را رد می کنی حریص تر می شود، به علاوه با چند مگس دیگر باز می گردد، این شخص نماز گزار در همه رکعات نمازش به مگس پراکنی مشغول است، بعد می گوید این چه نمازی شد، که در مگس پراکنی صرف کردید؟! به او باید گفت: این مگس ها تملقات دنیا است، دهان تو بر اثر بقایای آن شیرینی، همان طمع و دل بستگی به دنیا است، چرا دهانت را نشستی، تا آن تملقات دست از جان تو بردارند؟ در نتیجه بتوانی نماز با خشوع و با حضور قلب بخوانی. بنابراین اگر نماز گزار بتواند خود را از دل بستگی های دنیا و مادیات آزاد کند، راه را برای کسب حضور قلب و خشوع در نماز صاف نموده است. البته مراقبت در حفظ حضور قلب نیز برای نگهداری این صفت بسیار اثر بخش است. در آغاز مقداری از نماز را با حضور قلب بخواند، کم کم مراقبت خود را بیشتر کند و با تقویت آن در سایه تمرین ادامه دهد، امید آن است که در این راستا به توفیقات سرشاری نایل گردد.

بی اعتنائی امام زمان به نماز جماعت بی حضور قلب

برای تکمیل در رابطه با حضور قلب، نظر شما را به ماجرای زیبای زیر که منسوب به حضرت ولی عصر (عج) است جلب می کنیم: آیت الله شیخ جعفر نجفی از علمای ربانی و عارفان واصل و پارسایان برجسته بود، همه او را به پاکی و تقوای فوق العاده می شناختند تا آن جا که عالم وارسته و موثق سید مرتضی نجفی گوید: من سال ها با آیت الله شیخ جعفر، در سفر و حضر همنشین بوده و مرابوده داشتم؛ از نظر دینی حتی یک بار لغزش از او ندیدم. همین عالم وارسته از آیت الله شیخ جعفر نجفی نقل کرد که گفت: روزی با جماعتی در مسجد کوفه بودیم، یکی از علمای برجسته نجف اشرف که مورد احترام شدید مردم بود، در آنجا حضور داشت، وقت نماز مغرب فرا رسید، آن عالم برجسته نجفی به محراب مسجد رفت و آماده برای اقامه نماز جماعت شد، مؤذن اذان می گفت، عده ای مشغول وضو گرفتن بودند و عده ای وضو گرفته بودند و در صف اول و... نشسته بودند تا نماز شروع شود، در حیاط مسجد کوفه از ناحیه مرقد مطهر هانی بن عروه (ره) از قنات مخروبه ای اندکی آب جاری بود، ولی در گودی قرار داشت و محل آن به طوری تنگ بود که جز یک نفر نمی توانست در آنجا وضو بگیرد، من به آنجا رفتم تا وضو بگیرم دیدم شخصی نورانی و شکوهمند در آنجا نشسته و یا کمال وقار و طمانینه وضو می گیرد، من عجله داشتم، که او زودتر وضویش را تمام کند و نوبت به من برسد، تا وضو بسازم و به نماز جماعت برسم، ولی دیدم آن شخص نورانی همچنان مثل کوه در آنجا ایستاده، و گویی اعتنا به نماز جماعت ندارد و نمی خواهد در جماعت مسجد کوفه که به وسیله شیخ بزرگ نجفی اقامه می شود، شرکت نماید، سرانجام طاقت نیاوردم و به آن شخص نورانی گفتم: مگر شما اراده

شرکت در نماز جماعت ندارید؟ با این سخن می خواستم در وضو گرفتن شتاب کند، فرمود: نه. گفتم: چرا؟ فرمود: لانه الشیخ النخینی؛ زیرا آن شیخ (که امام جماعت مسجد کوفه شده) شیخ وابسته به ارزن است. من سخن آن شخص نورانی را نفهمیدم؛ ندانستم که از این جمله چه منظوری دارد؟ توقف کردم تا وضویش تمام شد، و از آن محل وضو بیرون آمد و رفت، و دیگر او را ندیدم. به آن محل وضو رفتم و وضو ساختم و سپس به مسجد رفته نماز خواندم، و پس از نماز رفتن مردم، در حالی که شکوه آن شخص نورانی سراسر قلبم را فرا گرفته بود، نزد امام جماعت مسجد رفتم، و آنچه را که از آن شخص نورانی شنیده و دیده بودم برای او تعریف کردم، امام جماعت با شنیدن گفتارم متقلب شد و در غم و اندوه چنانکه فرورفت، آنگاه رو به من کرد و فرمود: شما حضرت حجت (عج) را دیده اید، ولی او را نشناخته اید، او از چیزی خبر داده که هیچ کس جز خدا به آن خبر ندارد، بدان که من امسال مقداری ارزن در کنار آب خیز رجه کوفه کاشته ام، محل زراعت به خاطر رفت و آمد اعراب بادیه، در خطر است، (و احتمال زیاد دارد آنها، زراعت مرا حیف و میل کنند) اکنون وقتی که برای نماز جماعت برخاستم و مشغول نماز شدم، فکرم متوجه ارزن ها شد که سرانجام آنها چه می شود؟ در ظاهر نماز می خواندم ولی در باطن فکر و روحم در مزرعه سیر می کرد، از این روان آقا (حضرت حجت عج) فرمود: من پشت سر این آقایی که حضور قلب ندارد و دل به ارزن ها بسته، نماز نمی خوانم.

- پی نوشت ها:
۱. لقمان، آیه ۱۷.
 ۲. محدث کلینی، فروع کافی، ج ۲، ص ۲۶۶.
 ۳. کنز العمال، حدیث ۱۸۸۶۹.
 ۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۷.
 ۵. فروع کافی، ج ۲، ص ۲۶۴.
 ۶. بحار، ج ۷۷، ص ۷۰.
 ۷. همان، ص ۱۲۷.
 ۸. بحار، ج ۸۲، ص ۳۱۰.
 ۹. ابراهیم، آیه ۳۷.
 ۱۰. همان، آیه ۴۰.
 ۱۱. مریم، آیه ۵۵.
 ۱۲. همان، آیه ۳۱.
 ۱۳. بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۹.
 ۱۴. سیره حلبی، ج ۳، ص ۲۴۳.
 ۱۵. عنکبوت، آیه ۴۵.
 ۱۶. طه، آیه ۱۴.
 ۱۷. منافقون، آیه ۹، طه آیه ۲۴.
 ۱۸. معارج آیات ۱۹ تا ۲۴.
 ۱۹. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴.
 ۲۰. شرح غرر آقا جمال، ج ۲، ص ۱۶۶.
 ۲۱. سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۳۱.
 ۲۲. مائده، آیه ۲۷.
 ۲۳. فروع کافی، ج ۲، ص ۲۶۹.
 ۲۴. علامه طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸۵.
 ۲۵. علامه حاج شیخ علی یزدی، الزام الناصب، نشر حق بین قم، ج ۲، ص ۶۲ و ۶۴.

● اگر نماز گزار
بتواند خود را از
دل بستگی های
دنیا و مادیات
آزاد کند، راه را
برای کسب
حضور قلب و
خشوع در نماز
صاف نموده
است. البته
مراقبت در حفظ
حضور قلب نیز
برای نگهداری
این صفت بسیار
اثر بخش است

